گاز پرمصرف‌ها را صادراتی حساب کنید

حسین حیدریان، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان»، اهمیت اقدامات صورت گرفته در اتصال قیمت گاز مشترکان پرمصرف به قیمت صادراتی گاز را تشریح کرد

گزارش ۳
هادی اسماعیلی

بهترین مدل برای کنترل مصرف مشترکان پرمصرف در کنار عدم تغییر قیمت برای مشترکان درون الگوی بهینه، حذف یارانه انرژی مصارف خارج از الگوی بهینه است به این ترتیب که هر مترمکعب مصرف گاز خارج از الگوی بهینه با قیمتی نزدیک به قیمت صادراتی گاز محاسبه شود. در همین راستا نیز وزارت نفت با اصلاح نظام تعرفه‌گذاری گاز و اتصال قیمت گاز مشترکان پرمصرف به نرخ صادراتی معادل ۷۵ درصد قیمت صادراتی گاز، گام مهمی در جهت بازگرداندن منطق اقتصادی به بخش انرژی کشور برداشته است.

یکی از جدی‌ترین چالش‌های اقتصادی و انرژی کشور طی سال‌های اخیر، ناترازی فزاینده در بخش گاز طبیعی است؛ پدیده‌ای که در زمستان‌ها با افت فشار و قطع گاز صنایع خود را نشان می‌دهد و آثار سنگینی بر تولید، اشتغال و درآمد ارزی کشور می‌گذارد. برآوردها نشان می‌دهد ناترازی گاز ایران در زمستان به حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده است؛ به این معنا که تولید روزانه گاز کشور از مصرف فاصله‌ای جدی دارد. در این میان، بخش خانگی با سهم بیش از ۷۰ درصد از مصرف زمستانی، نقشی تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این ناترازی دارد. نکته کلیدی آن است که این ناترازی نه به دلیل کمبود ظرفیت تولید، بلکه بیشتر به‌دلیل مصرف غیربهینه و بی‌محابای انرژی از سوی بخشی از مشترکان خانگی و تجاری است که با وجود دریافت یارانه سنگین، انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی ندارند.

در این بین بهترین مدل برای کنترل مصرف مشترکان پرمصرف در کنار عدم تغییر قیمت برای مشترکان درون الگوی بهینه، حذف یارانه انرژی مصارف خارج از الگوی بهینه است به این ترتیب که هر مترمکعب مصرف گاز خارج از الگوی بهینه با قیمتی نزدیک به قیمت صادراتی گاز محاسبه شود. دلیل این رویکرد هم در این است هر مترمکعب مصرف غیربهینه و خارج از الگوی بهینه مصرف، کشور را در وضعیت ناترازی قرار می‌دهد که نه تنها گاز به صنایع نمی‌رسد، بلکه فرصت صادرات گاز در بهترین زمان فروش بین‌المللی گاز را نیز از کشور می‌گیرد؛ بنابراین به این دلیل باید ارتباطی بین قیمت مصارف خارج از الگوی بهینه با قیمت صادراتی گاز باشد.

در همین راستا نیز وزارت نفت با اصلاح نظام تعرفه‌گذاری گاز و اتصال قیمت گاز مشترکان پرمصرف به نرخ صادراتی معادل ۷۵ درصد قیمت صادراتی گاز، گام مهمی در جهت بازگرداندن منطق اقتصادی به بخش انرژی کشور برداشته است.

این اقدام در واقع نوعی بازتوزیع یارانه انرژی محسوب می‌شود، چراکه تا پیش از آن، همه اقشار جامعه، از کم‌مصرف‌ترین تا پرمصرف‌ترین، به یک اندازه از یارانه سنگین گاز برخوردار بودند. چنین نظامی نه‌تنها با عدالت اقتصادی مغایرت داشت، بلکه موجب گسترش رفتارهای پرمصرف، اتلاف منابع و تضعیف انگیزه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌شد. اکنون با اجرای نظام جدید تعرفه‌ای، مصرف‌کنندگان پرمصرف که سهم بیشتری در ایجاد ناترازی دارند، گاز خود را با قیمتی نزدیک به نرخ صادراتی دریافت می‌کنند، در حالی که مصرف‌کنندگان در الگوی بهینه، همچنان از یارانه کامل بهره‌مند می‌مانند.

یکی از مهم‌ترین اصلاحات در این برنامه وزارت نفت، کاهش پلکان‌های مصرف از ۱۲ به چهار سطح مشخص شامل کم‌مصرف، خوش‌مصرف، پرمصرف و بسیار پرمصرف است. این اقدام نه‌تنها به ساده‌سازی نظام تعرفه‌ای و شفافیت بیشتر در قبوض گاز منجر شده است، بلکه امکان اعمال سیاست‌های هوشمند قیمتی را نیز فراهم کرده است. در این چارچوب، قیمت هر مترمکعب گاز در پلکان‌های مختلف به‌صورت پلکانی و با فاصله معنادار از یکدیگر تعیین شده و برای پلکان بسیار پرمصرف، نرخ محاسبه گاز بر مبنای قیمت صادراتی است. به عبارت دیگر، وزارت نفت با این اقدام، یارانه انرژی را صرفاً محدود به الگوی بهینه مصرف کرده و به‌طور عملی، یارانه گاز برای مصارف مازاد بر نیاز حذف شده است. این تصمیم از نظر سیاستگذاری انرژی، گامی در جهت اصلاح رفتار مصرفی و بازگشت تدریجی به عدالت اقتصادی محسوب می‌شود.

اتصال قیمت گاز پرمصرف‌ها به نرخ صادراتی، علاوه بر اثرات قیمتی، پیامدهای رفتاری و فرهنگی مهمی نیز به همراه دارد. در شرایطی که بخش بزرگی از مردم کشور با مصرف منطقی و درون الگوی بهینه زندگی می‌کنند، گروه کوچکی از مشترکان با مصرف چندبرابری نسبت به متوسط جامعه، منابع ملی را به شکل غیرمسئولانه مصرف می‌کنند. هزینه این رفتار، از محل بودجه عمومی و درآمدهای نفتی پرداخت می‌شود و در نهایت کل جامعه متضرر می‌شود. وقتی قیمت انرژی برای پرمصرف‌ها واقعی می‌شود، مصرف مسئولانه به یک رفتار اقتصادی مقرون‌به‌صرفه تبدیل می‌گردد.

از سوی دیگر، این سیاست به کاهش فشار بر شبکه تولید و توزیع گاز کمک می‌کند و می‌تواند نقش به سزایی در کاهش قطعی گاز صنایع در زمستان داشته باشد، چراکه هر یک درصد کاهش در مصرف خانگی، دهها میلیون مترمکعب گاز آزاد می‌کند که می‌تواند در خدمت تداوم تولید صنعتی و صادرات فرآورده‌های نفت و گاز قرار گیرد.

نکته کلیدی دیگر آن است که این نوع از اصلاح قیمتی به‌هیچ‌وجه به معنی فشار بر اقشار متوسط یا کم‌درآمد نیست، زیرا نظام تعرفه‌ای جدید دقیقاً به‌گونه‌ای طراحی شده که فقط مشترکان در پله‌های بالای مصرف، مشمول افزایش قیمت می‌شوند. در واقع، با تکیه بر این اقدام مرز میان مصرف عادلانه و مصرف بی‌رویه را تعیین شده است. براساس آمار، حدود ۱۰ درصد از مشترکان خانگی کشور در زمره مشترکان بسیار پرمصرف قرار دارند و همین گروه کوچک، سهمی بیش از یک‌سوم از کل مصرف گاز بخش خانگی را به خود اختصاص داده‌اند. به همین دلیل، تمرکز بر این گروه هدف، اقدامی هوشمندانه برای کنترل مصرف و کاهش ناترازی گاز است؛ بدون آنکه فشار اقتصادی بر عموم مردم وارد شود.

تحقق مدیریت مصرف با اخذ قیمت صادراتی گاز از مشترکان پرمصرف بخش خانگی و تجاری

حیدریان، کارشناس انرژی در ابتدای صحبت‌های خود با اشاره به اهمیت حذف یارانه انرژی مشترکان پرمصرف گاز گفت: باید قیمت انرژی مشترکان پرمصرف به قیمت صادراتی گاز متصل شود و اهمیت این رویکرد در این است که منجر به کاهش ناترازی گاز و مدیریت مسئولانه مصرف انرژی به خصوص در بین مشترکان پرمصرف که بیشترین سرانه مصرف را دارند، خواهد شد. از همین رو اقدام وزارت نفت در اصلاح تعرفه مشترکان خارج از الگوی بهینه و ایجاد ارتباطی معنادار بین مصرف و اخذ یارانه انرژی اهمیت دارد.

وی با اشاره به چهار پلکانی شدن مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری خاطرنشان کرد: در ساختار جدید، پلکان‌های مصرف گاز را از ۱۲ سطح به چهار سطح اصلی کاهش داده شده است. این چهار سطح شامل مشترکان کم‌مصرف، خوش‌مصرف، پرمصرف و بسیار پرمصرف است. دو پله اول شامل ۷۵ درصد از مشترکان هر شهر می‌شوند و در محدوده الگوی بهینه مصرف قرار دارند. پله اول، مشترکانی را شامل می‌شود که مصرف‌شان کمتر از ۵۰ درصد متوسط شهر است و کم‌مصرف محسوب می‌شوند؛ قیمت هر مترمکعب گاز برای این گروه تنها حدود ۲۰۰ تومان محاسبه می‌شود، یعنی معادل یک درصد تعرفه پرمصرف‌ترین پله که برابر با قیمت ۷۵ درصد قیمت صادراتی است. این نرخ عملاً نشان‌دهنده حمایت حداکثری دولت از مشترکان صرفه‌جو است.

حیدریان در ادامه افزود: پله دوم نیز شامل مشترکان با مصرف بین ۵۰ تا ۷۵ درصد متوسط شهر است؛ این گروه خوش‌مصرف و درون الگوی مصرف به حساب می‌آیند و قیمت گاز آنان معادل ۴ درصد از قیمت پله آخر و حدود ۷۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب است؛ در مجموع، این دو گروه حدود ۸۹ درصد از کل مشترکان کشور را در بر می‌گیرند و همچنان از یارانه قابل توجه انرژی برخوردار خواهند بود. نقطه عطف نظام تعرفه‌ای جدید، در تعیین قیمت گاز برای پله چهارم، یعنی مشترکان بسیار پرمصرف است. در این سطح، وزارت نفت تصمیم گرفته تا قیمت گاز را براساس نرخ صادراتی محاسبه کند؛ براساس محاسبات، هر مترمکعب گاز صادراتی ایران حدود ۳۰ سنت ارزش دارد و با در نظر گرفتن نرخ تسعیر ۸۰ هزار تومان برای هر دلار، قیمت آن حدود ۲۴ هزار تومان برای هر مترمکعب خواهد بود. وزارت نفت برای پله آخر مصرف، یعنی مشترکان بسیار پرمصرف، تعرفه گاز را معادل ۷۵ درصد قیمت صادراتی تعیین کرده است، به این معنا که هر مترمکعب گاز برای این گروه حدود ۱۸ هزار تومان محاسبه می‌شود که عددی بسیار بالاست و برای هر مترمکعب مصرف بالاتر از پله چهارم در نظر گرفته شده است و مشترکان این بخش را با قبوض چند ده میلیونی مواجه خواهد کرد.

وی، در پایان خاطرنشان کرد: اجرای سیاست واقعی‌سازی قیمت گاز برای مشترکان پرمصرف، نه تنها گامی در جهت عدالت انرژی و مدیریت مسئولانه مصرف است، بلکه پیامدهای مثبتی در سطوح مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی و صنعتی دارد. از منظر کلان، این اقدام به وزارت نفت کمک می‌کند تا منابع محدود گاز را به سمت تولید و صادرات هدایت کند؛ از منظر اجتماعی، به بازتوزیع منصفانه یارانه‌ها و حمایت از اقشار کم‌مصرف منجر می‌شود و از منظر فرهنگی، فرهنگ مصرف به اندازه و مسئولانه را در جامعه نهادینه می‌کند. در واقع، سیاست جدید تنها یک اصلاح قیمتی نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه از سیاستگذاری انرژی در ایران است که در آن، معیار بهره‌مندی از یارانه، نه میزان درآمد یا به صورت عام و همگانی، بلکه رفتار مصرفی افراد خواهد بود. این تحول اگر با برنامه‌های مکملی نظیر ذخیره‌سازی گاز از سوی صنایع، تعویض بخاری‌های فرسوده و همچنین بهینه‌سازی تجهیزات گرمایشی و سرمایشی همراه شود، می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ اصلاحات انرژی کشور به شمار آید و زمینه را برای رهایی تدریجی از ناترازی مزمن گاز فراهم سازد.

گزارش یک
سعیده زمانی

روزهای روشن بازار سرمایه در راه است

بورس در خزان پاییز سبز می‌شود

باوجود نگرانی‌ها در مورد آینده بورس، بازار سرمایه مجدداً جان گرفته و شاخص کل بورس تهران در معاملات روز دوشنبه از سقف قبلی یعنی ۳ میلیون و ۲۵۹ هزار واحد نیز عبور کرد

شاخص کل بازار اکنون بار دیگر به سمت سقف تاریخی خود حرکت کرده است. شاخص کل در ۲۸ اردیبهشت امسال تا محدوده ۳میلیون و ۲۵۲ هزار واحد پیش رفت، اما پس از آن به دلیل ریسک‌های سیاسی و ریسک‌های ژئوپلتیک، کانال‌های متعددی را از دست داد و تا سطح ۲ میلیون و ۳۹۵ هزار واحد عقب‌نشینی کرد، اما اخیراً با آرامش سیاسی دوباره بهبود یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای سال تا دوازدهم آبان سه شاخص اصلی بازار سرمایه، یعنی شاخص کل بورس، شاخص هم‌وزن و شاخص کل فرابورس در محدوده ۱۵ تا ۱۹ درصدی بازدهی مثبت داشته‌اند. هرچند این میزان بازدهی، از سود ۲۹ درصدی طلا عقب مانده، اما از بازار ارز و دارایی‌های کم‌ریسک بهتر عمل کرده است.

محمدمهدی صافی | جوان

کارشناسان معتقدند در صورت ثبات سیاسی، بورس توان جبران عقب‌ماندگی خود را دارد. به گفته آنها اگر سیگنال‌های حمایتی از سمت بانک مرکزی و وزارت اقتصاد تداوم یابد، بازار سهام می‌تواند در نیمه دوم آبان به محدوده مقاومتی ۳/۳ میلیون واحدی شاخص کل نزدیک شود.

رشد پرقدرت شاخص بورس در میانه آبان

بازار سهام در دوازدهم آبان با جهش بیش از ۴۷ هزار واحدی شاخص کل و صعود شاخص هم‌وزن همراه شد تا امید تازه‌ای پس از چند هفته رکود در تالار شیشه‌ای شکل گیرد.

در پایان معاملات روز شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴، شاخص کل بورس تهران با افزایش ۴۷ هزار و ۷۲۴ واحدی در عدد ۳ میلیون و ۲۶۵ هزار و ۳۳۸ واحد ایستاد.

شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۷ هزار و ۱۶۳ واحدی به سطح ۹۳۵ هزار و ۹۹۸ واحد رسید که نشان از رشد هماهنگ در اغلب نمادهای بازار دارد.

ارزش بازار کل بورس تهران در این روز به حدود ۱۱۸/۹۷ هزار میلیارد تومان رسید. حجم معاملات نیز با ۲/۳۸ میلیارد سهم و ارزش بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد تومان (۷/۱۶۰ همت)، از میانگین ماه‌های اخیر فراتر رفت.

تعداد بیش از ۵۷۵ هزار معامله در طول ساعات دادوستد ثبت شد که در مقایسه با هفته گذشته رشد محسوسی در مشارکت فعالان حقیقی و حقوقی بازار را نشان می‌دهد.

در فرابورس، شاخص کل با افزایش ۱۹۹ واحدی به رقم ۲۸ هزار و ۲۲۱ واحد رسید. ارزش معاملات بازار اول و دوم حدود ۳۷۳/۱۵ هزار میلیارد تومان و ارزش بازار پایه ۷۷۴/۳ هزار میلیارد تومان اعلام شد.

در مجموع روز دوشنبه ۲۵۰ هزار و ۸۹۵ معامله با حجمی بیش از ۱۶ میلیارد ورقه بهادار و ارزش ۷/۵ هزار میلیارد تومان (۷/۵ همت) به ثبت رسید.

افزایش قابل توجه ارزش معاملات و رشد همزمان شاخص‌های اصلی، از چرخش نسبی نقدینگی به سمت بورس خبر می‌دهد. با این حال، دوام روند صعودی به ثبات سیاست‌های ارزی و کنترل انتظارات تورمی وابسته است.

کارشناسان معتقدند بازار پس از این رشد قابل‌توجه، در نقطه‌ای قرار گرفته که نیاز به استراحت و تجدید قوا دارد، چراکه شاخص کل در آستانه سقف تاریخی خود حرکت می‌کند و عبور از این سطح مقاومتی نیازمند ورود پول تازه و انتشار گزارش‌های مالی قوی از سوی شرکت‌هاست.

به گفته تحلیلگران، بخش عمده رشد اخیر بازار تحت‌تأثیر ورود پول حقیقی، حمایت نهادهای مالی و انتشار اخبار مثبت درخصوص صنایع بزرگ از جمله پتروشیمی و بانکی بوده است.

تزریق پول از سوی بازیگران حقوقی نیز به حفظ وضعیت مثبت بازار در هفته‌های گذشته کمک کرده است. با این حال، ادامه مسیر صعودی نیازمند آن است که اثر متغیرهایی چون افزایش نرخ ارز، بهبود سودآوری شرکت‌ها و انتشار گزارش‌های فصلی مطلوب در صورت‌های مالی نمایان تا اطمینان سرمایه‌گذاران تقویت شود.

اصلاح‌های کوتاه‌مدت و قدرت بالای خریداران

رضا قاسمی، کارشناس بازار سرمایه در تشریح وضعیت فعلی بورس به «جوان» گفت: در روزهای اخیر، تقاضای قوی در نمادهای کامودیتی محور (مثل فولاد و پتروشیمی) شاخص را تا حدود ۳ میلیون و ۲۳۰ هزار واحد بالا برد، اما در ادامه افزایش عرضه‌ها باعث نوسان منفی شد.

وی با اشاره به عبور بورس از سقف قبلی ۳میلیون و ۲۵۹ هزار واحد در معاملات روز دوشنبه (۱۲ آبان) گفت: شاخص به محدوده سقف قبلی نزدیک شده و رفتار بازار نشان می‌دهد قدرت خریداران بالاست و در این شرایط اگر اصلاحی نیز صورت بگیرد اصلاح‌ها کوتاه مدتند و تقاضا به سرعت بازمی‌گردد.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به پتاسیل رشد بورس افزود: از نظر دلاری، بازار همچنان پایین‌تر از ارزش واقعی خود قرار دارد. هر چند شاخص از نظر ریالی به سقف تاریخی نزدیک شده، اما از نظر دلاری در برابر ۴۰۰ میلیارد دلار سال ۱۳۹۹ هنوز حدود چهار برابر فاصله دارد و پایین‌تر است.

قاسمی ادامه داد: نقدینگی در میان صنایع مختلف از جمله فولاد، پتروشیمی، پالایشی و بانکی در گردش است و نشان می‌دهد سرمایه‌ها فعلاً قصد خروج ندارند.

این کارشناس بازار سرمایه در ادامه به اخبار بنیادی مثبت و تاثیرگذار در بورس اشاره کرد و گفت: احتمال حذف هاب‌های اروپایی از فرمول گاز صنایع در بودجه سال آینده باعث کاهش هزینه تولید برای اوره و متانول می‌شود که بر بازار تأثیر مثبت خواهد داشت.

وی با اشاره به احتمال حذف مالیات صادراتی از اوره گفت: این اقدام باعث افزایش سود شرکت‌های پتروشیمی خواهد شد.

شرط صعود ادامه‌دار

قاسمی، در بخش دیگری از اظهارات خود به برخی موانع برای صعود پرقدرت بورس اشاره کرد و گفت: با همه اخبار بنیادی مثبت، افزایش نرخ بهره به ۴۵ درصد می‌تواند بخشی از جذابیت بازار سهام را کاهش دهد، اما کاهش نرخ بهره به حدود ۲۰ درصد می‌تواند زمینه رشد تازه‌ای فراهم سازد، اما این موضوع بدون مهار کسری بودجه و اصلاح مالی دولت ممکن نیست. موضوع دیگر انتقال معاملات ارزی زنجیره فولاد به بازار توافقی (تالار دوم) است که اگرچه باعث شفافیت ارزی می‌شود، اما ممکن است فشار هزینه‌ای بر صنایع پایین دستی وارد کند.

این کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه تجربه تاریخی نشان می‌دهد بورس معمولاً در مواجهه با سقف‌ها، بدون مقاومت زیاد از آن عبور کرده است، افزود: ادامه روند صعودی محتمل است، اما سرعت رشد نسبت به ماه‌های قبل کمتر خواهد بود.

قاسمی، حفظ رونق بورس را نیازمند اخبار مثبت مستمر و ثبات روانی بازار عنوان کرد و گفت: سیاستگذار تلاش کرده نقدینگی را در بورس نگه دارد و در صورت تداوم حمایت‌ها بازار سهام می‌تواند به رشد خود ادامه دهد.

این کارشناس بازار سرمایه، رشد پایدار بورس را در گرو ثبات اقتصاد عنوان کرد و گفت: به‌جای حمایت مستقیم از بورس، باید تولید و ثبات اقتصادی تقویت شود. پیش‌بینی‌پذیری قوانین، اصلاح نرخ خوراک و پرهیز از تصمیمات ناگهانی می‌تواند به شکل پایدار، رونق بازار سرمایه را رقم بزند.

گزارش ۲
زینب زرین

مصائب ارز ترجیحی ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی با گذشت ۳سال و نیم از ابداع هنوز باقی است

کالابرگ الکترونیک و اعطای یارانه ارزی به انتهای زنجیره جایگزین مناسب ارز ترجیحی است

مسئله ارز ترجیحی موضوعی است که در حال حاضر به عنوان یکی از موضوعات اصلی در محفل رسانه‌ها موردبررسی قرار گرفته است. ارز ترجیحی و چند نرخی همانطور که از اسمش مشخص است، برای ایجاد نرخ جدید در برابر تغییرات شدید نرخ ارز بازار آزاد است و از ماهیت آن نیز مشخص است که مدت زمان معینی باید در یک نرخ تثبیت شود. در سال ۱۴۰۱ پس از چهار سال تثبیت نرخ ارز کالاهای اساسی روی نرخ ۴هزار و ۲۰۰ تومان، نرخ ارز جدید ترجیحی معادل ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان شد و حالا در آستانه چهار سالگی نرخ ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان هستیم و طبق آن چیزی که مشخص است به مانند ارز ترجیحی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی، ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی نیز اثرگذاری خود را پس از چهار سال از دست داده است و تداوم این وضعیت صرفاً موجب تحمیل هزینه بیشتر به کشور خواهد شد.

نشانه‌های ناکارآمدی در تخصیص ارز را می‌توان در صف طویل تخصیص ارز دید که به خوبی بیانگر وضعیت نابسامان تخصیص ارز ترجیحی است. یک نمونه که با ارز ترجیحی ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی وارد می‌شود و وضعیتی به مراتب بد دارد، کالای برنج است.

رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران موادغذایی در رابطه با وضعیت بد برنج با وجود تخصیص ارز ترجیحی خاطرنشان کرد: سودجویان برنج پاکستانی را که با ارز دولتی وارد شده در کیسه برنج ایرانی عرضه می‌کنند و کسی هم متوجه نمی‌شود؛ برنج پاکستانی که با ارز دولتی وارد کشور شده و باید ۶۶ هزار تومان به دست مردم برسد، به دلیل نداشتن مدیریت، ۱۷۵ هزار تومان هم پیدا نمی‌شود. با وجود تخصیص ارز ترجیحی و دولتی به واردات برنج، سامانه‌ها را واردکنندگان دور می‌زنند و سندسازی می‌کنند.

حسین فرهادی، سخنگوی اتحادیه بنکداران موادغذایی در رابطه با تخصیص ارز دولتی به واردات برنج پاکستانی و انحراف قیمتی آن خاطرنشان کرد: شرکت‌های واردکننده برنج، ارز دولتی گرفتند تا برنج پاکستانی را ارزان به دست طبقه ضعیف برسانند، اما الان برنج پاکستانی را دو برابر قیمت به مردم می‌فروشند.

مهدی دارابی، مدیر گروه پولی و بانکی مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به وقوع بیش‌اظهاری واردات کالاها به دلیل اختلاف نرخ ارز در بازار وارداتی خاطرنشان کرد: آمار دقیقی درخصوص میزان بیش‌اظهاری واردات در دسترس نیست، اما میزان آن رقم قابل ملاحظه‌ای است. مرکز پژوهش‌های مجلس در بررسی ۶۰ قلم کالای صادراتی حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار کم‌اظهاری صادراتی کشف کرده است. انگیزه کسب درآمد از اختلاف نرخ ارز در بازار وارداتی نیز وجود دارد و پیش‌بینی می‌شود رقم سودجویی در این بخش نیز قابل‌توجه باشد.

محمدحسین روشنک، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی با انتقاد شدید از واردات با نرخ ارز ترجیحی و وقوع فساد در تخصیص ارز ترجیحی خاطرنشان کرد: برنج در پاکستان یک دلار و نرخ ارز وارداتی برنج در ایران ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان است، چگونه برنج پاکستانی کیلویی ۲۰۰ هزار تومان به مردم فروخته می‌شود؛ این حجم رانت به جیب چه کسی می‌رود؟ به زودی به مانند اتفاق چای‌دبش در برنج رقم خواهد خورد. رانت فقط یک هفته ارز ترجیحی اعطا شده به واردات برنج از تمام درآمد اتاق‌های بازرگانی کل کشور بیشتر است.

وضعیت تخصیص ارز ترجیحی و اختلاف قیمت شدید بین ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی با قیمت ارز در تالار دوم یا حتی قیمت ارز در بازار آزاد نتیجه چنین وضعیتی است. بیش از ۳/۵ سال است که رانت ارز ترجیحی ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی به واردات کالاهای اساسی داده می‌شود و نه تنها مدت زمان معین اعطای این ارز ترجیحی مدت‌ها پیش سر آمده بود و باید اصلاح قیمتی در تخصیص ارز ترجیحی اتفاق می‌افتاد، بلکه حالا با این اختلاف قیمت قطعا رانت بیشتری در صورت تداوم تخصیص این مدل ارز ترجیحی رقم خواهد خورد.

همه این عوامل تنها بخشی از واقعیت پنهان عدم اثرگذاری ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی پس از اعمال آن در ۳/۵ سال پیش است. به هم زدن نظام قیمت‌های نسبی و همچنین بیش‌اظهاری در واردات و کیفیت بسیار پایین واردات کالاهای اساسی مرتبط با ارز ترجیحی ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی و بهره‌مندی از این رانت ارزی از سوی دهک‌های بالای جامعه و به هم ریختن نظام عرضه و تقاضای بازار و انحراف جدی قیمتی در قیمت مرغ و برنج و گوشت با وجود تخصیص ارز ترجیحی و وقوع فساد در نظام بازتوزیع همگی بیانگر لزوم تصمیم‌گیری در قبال مسئله ارز ترجیحی است.

احمد مقدسی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن گاوداران کشور، اخیراً در مصاحبه‌ای دوباره به واردات گسترده گوشت قرمز در سال گذشته واکنش نشان داد و اظهار کرد: دولت پارسال ۱/۳ میلیارد دلار گوشت بی‌کیفیت و نامرغوب وارد کشور کرد که در تاریخ ایران بی‌سابقه بود.

با این حجم از واردات، نه گوشت ارزان شد و نه از دامدار حمایت شد؛ دولت پول کلانی دارد تا به‌طور بی‌سابقه گوشت وارد کند، ولی پولی برای حمایت از تولیدکننده داخلی ندارد. چرا همان پولی را که صرف واردات گوشت بی‌کیفیت کردید به تولیدکننده نمی‌دهید تا گوشت مرغوب برای مردم تولید کند؟

همه این عوامل نشان از ناکارآمدی سیاست ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی پس از حدود چهار سال از زمان اولین روز تخصیص این ارز دارد. البته مسئله اصلی کماکان این است که چگونه باید حمایت از مردم صورت بگیرد. نباید به اشتباه این تصور پیش بیاید که چون ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی ناکارآمد است؛ پس این ارز را حذف و بازار را به حال خود رها کنیم، اما در نحوه اصلاح این ارز ترجیحی و همچنین سیاست مکمل این موضوع همواره بحث‌هایی بوده است. برخی به دنبال آزادسازی نرخ در هر شرایطی و عدم تخصیص ارز ترجیحی هستند، بدون اینکه توجهی به سفره مردم داشته باشند، اعلام می‌کنند که ارز ترجیحی کالاهای اساسی حذف شوند و منابع آن صرف کسری بودجه دولت شود؛ این یکی از بدترین و غلط‌ترین اقدامات در حوزه اصلاح وضعیت نظام ارز چندنرخی است.

در مقابل مجلس این‌بار برخلاف دوره قبل در زمان حذف ارز ترجیحی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی که ما به ازای آن یارانه نقدی اعطا شد، این بار تأکید ویژه‌ای بر جایگزین کردن کالابرگ به جای ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دارد.

قالیباف، رئیس مجلس با بیان اینکه ما به دنبال ارائه یارانه‌های پرداختی به انتهای زنجیره، یعنی مصرف‌کنندگان هستیم، گفت: بر این اساس به دنبال اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی هستیم که آن را از مجلس یازدهم پیگیری کرده‌ایم و معتقدیم برای اینکه انتهای زنجیره از یارانه بهره‌مند شود باید در قالب کالا آن را دریافت کند. طرح کالابرگ الکترونیکی باید در آبان‌ماه اجرا شود، حتی اگر قرار باشد در شروع صرفاً برای سه دهک پایین اجرا شود، باید با فاصله زمانی کوتاه برای تمام هفت دهک اجرایی شود.

البته با توجه به ضعف‌های شناخت دهک‌های مختلف جامعه، بهتر است که به همه دهک‌ها به صورت برابر کالابرگ اعطا شود.

بنابراین جایگزین کردن یک سبد کالایی وزن‌دار از تمامی کالاهایی که نرخ ارز ترجیحی دریافت می‌کنند و همچنین اجرای کالابرگ برای تمام دهک‌های جامعه راهکار حمایت واقعی از سفره مردم بدون اعطای رانت ارز ترجیحی به واردکننده است. البته باید توجه داشت که کالابرگ فعلی اعطا شده به دهک‌های پایین صرفاً برای حذف ارز ترجیحی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی بوده است و برای حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، باید دولت با توجه به کاهش رانت چند صد هزار میلیارد تومانی، وزن سبد کالایی اعطا شده به مردم در کالابرگ را افزایش دهد و هر ساله نیز اعتبار کالابرگ با افزایش نرخ تسعیر ارز در بودجه و همچنین نرخ ارز بازار آزاد به روز شود وگرنه به سرنوشت یارانه نقدی ۴۵ هزار تومانی دچار خواهد شد. به این ترتیب با اعطای یارانه ارز ترجیحی به انتهای زنجیره در قالب سبد کالایی مشخصی مبتنی بر طرح کالابرگ الکترونیک، اعتبار خرید کالاهای مشخصی به هر کد ملی اعطا خواهد شد و دیگر نرخ ارز ترجیحی و مصائب آن برای تولیدکننده و کشور را نخواهیم داشت و در عوض حمایت واقعی از سفره و معیشت مردم برای همیشه فراهم خواهد شد.